

راهکارهای تازه در بهبود ساختار ایمنی شرکتهای توزیع برق

سید علیرضا متحملیان

کارشناس روابط عمومی شرکت توزیع برق استان اصفهان

کلید واژه: ارزشگذاری، اصل تناسب، هماهنگی، مشارکت، فناوریهای نوین، آموزش جامع، فرهنگ فراگیر، بازرسی کار، عبرت گیری، اطلاع رسانی، ارتباط علم و عمل، ارتباطات ایمنی، سمینارهای زنجیره ای، مطالعات تطبیقی، پژوهشهای سیستمی.

مقدمه:

قابل ملاحظه نبوده که فکر مسئولین را بطور جدی به خود جلب نمایند. ذکر این نکته لازم است که کشورهای جهان سوم که در جهت صنعتی شدن گام بر می دارند از بعضی جهات بویژه از لحاظ مواجهه شدن با تکنولوژی و کار با ماشین های سنگین و مخاطره زا تقریباً با همان شرایط مواجه هستند که کشورهای صنعتی در گذشته با آن مواجه بوده اند با این تفاوت که انسان های این سوی دنیا فرهنگ و رفتاری غیر از مردمان کشورهای صنعتی غرب دارند. بهمین جهت میتوان گفت الگوها، توصیه ها و تکنیک های احياناً موفق در جوامع صنعتی غرب الزاماً پاسخگوی مسائل بهداشت و ایمنی واحدهای صنعتی ما نخواهند

انسان حتی در دوران غارنشینی وزمانیکه از ابزار سنگی یا شکستن شاخه های درخت برای تهیه مایحتاج زندگی خود استفاده میکرد کم و بیش ب فکر حفظ جان و مراقبت از سلامت اعضای بدن خود بوده است و حتی گفته شده که در یونان و رم قدیم کارگران معادن از پوست مthane بز بعنوان ماسک برای جلوگیری از وارد شدن گاز و دود به داخل ریه استفاده می کرده اند. معهدا اقدامات و تحقیقات جدی در زمینه امور ایمنی و بهداشت در محیط کار از پدیده های مربوط به انقلاب صنعتی در دنیااست. به اعتقاد عده ای از محققین اصولاً میزان سوانح و ضایعات انسانی قبل از انقلاب صنعتی

بود. ولی همانگونه که کراراً ذکر شده وجود بعضی از ناسازگاریهای تکنیکی و متدولوژیکی بدان معنا نیست که آن اطلاعات و الگوها نادیده انگاشته شوند.

عوامل عمده مشابهی که جوامع در حال صنعتی شدن را مانند کشورهای صنعتی با مشکل افزایش سوانح در محل کار مواجه می سازد عبارتند از:

۱- تمرکز ماشین آلات زیاد در فضاهای نسبتاً کوچک که باعث تراکم نیروی انسانی و در نتیجه سانحه و ضایعه میگردد.

۲- تراکم تعداد زیادی از کارکنان در فضاهای نسبتاً کوچک که باعث به وجود آمدن مسائل روانی اجتماعی شده و این خود رفتار کارکنان را سانحه زا میسازد.

۳- افزایش سرسام آور سرعت حرکات و افزایش احتمال ایجاد سانحه، بعلت محدود بودن قابلیت عکس العمل به موقع انسان

۴- افزایش قدرت ماشین آلات و تجهیزات و پیچیدگی کار با آنها

۵- تقسیم کار بیش از حد که البته این اقدام باعث میشود هر کارگر ساده بعد از دریافت آموزش مختصر از عهده انجام گوشه کوچکی از کار برآید بدون اینکه تجربه و احساس کافی از کاری که انجام میدهد داشته باشد.

۶- کمبود آموزش و آشنائی با ماشین آلات سنگین و طرز کار با آنها

۷- عدم آگاهی کامل از شرایط سانحه زا و اثرات سوء ناشی از آلودگی ها و راههای حفاظت و پیش گیری.

۸- غیر لازم دانستن هزینه های سنگین برای تحقیق و تنظیم طرح های ایمنی.

۹- عدم هماهنگی و انطباق دانش و توانائی جسمی و روانی متصدیان با کار مربوطه

۱۰- و بالاخره توجه بیش از حد به افزایش سطح تولید

با عنایت به سابقه تاریخی افزایش سوانح در جوامع صنعتی و در حال صنعتی شدن به ذکر روش های متداول امور ایمنی و بهداشت صنعتی می پردازیم.

روش های متداول بررسی و اقدام در زمینه امور بهداشت و ایمنی محیط کار:

روش های متداول به صورت مختلف تقسیم بندی شده اند که یکی از اینگونه تقسیم بندی ها به شرح زیر ارائه میگردد:

۱- روش های تأمین سلامت کارکنان در محل کار

۲- ارگونومی

۳- روش های بیومکانیکی

۴- مهندسی سیستم ها

۵- روش های اکتشافی

۶- روش رفتاری

چند راهکار برای بهبود ساختار ایمنی در شرکتهای توزیع :

۱- ارزشگذاری برای جان انسانها

مدیران سازمانها و شرکتهای باید متوجه مسئولیت بسیار مهم خویش در قبال حفظ جان کلیه کارکنان در قلمرو کاری خود باشند و رعایت مفاد قوانین و مقررات موضوعه در این زمینه را بسیار جدی بگیرند. اصولاً این موضوع با نگرش جامعه نسبت به انسان ارتباط پیدا می کند. اگر گرایش مسلط در جامعه، ارزشگذاری به جان انسانها باشد صیانت از جان انسانها نیز در نظام ارزشهای جامعه جایگاهی در خور و شایسته می یابد و کسانی که به این ارزش توجه نکنند مورد مؤاخذه فردی، جمعی، قانونی، و حقوقی قرار خواهند گرفت. جان انسانها بسیار با ارزشتر از خسارات، غرامات و دیاتی است که در قوانین برای آنها تعیین شده است. اینها هرگز نمی توانند ما به ازای سرمایه گرانقدر جان انسانی باشند. چنانچه این موضوع مهم در اذهان فرد فرد آحاد جامعه و مخصوصاً در ذهن کارفرمایان و

مدیران جای گیرد، در اعتلای سطح ایمنی و محافظت از جان افراد تأثیری بسیار مثبت خواهد داشت.

۲- رعایت اصل تناسب

بنابر اصل ضرورت وجود تناسب در اجزای تشکیل دهنده نظامها، کلیه اجزائی که در یک نظام کاری در تعامل و ارتباط اند باید با یکدیگر تناسب داشته باشند. قبل از به کارگیری افراد، باید نسبت به بررسی ویژگیهای جسمی و روحی آنان اقدام شود و در صورت انطباق این ویژگیها با مقتضیات کار مورد نظر، رابطه استخدامی با آنان برقرار گردد. مشاغل، مسئولیتها، فعالیتها و وظائف باید به افرادی واگذار شود که شرایط احراز آن مشاغل را داشته باشند و بتوانند از عهده آنها برآیند. در این زمینه لازم است که بین سن، جنس، تحصیلات، تجربه، سطح مهارت و ماهیت کار تناسب برقرار باشد. بایستی بین تعداد کارکنان و بار کاری توزیع شده به آنان، بین تعداد واحدهای کاری و تعداد کارکنان آنها با تعداد وسایل ایمنی و حفاظتی، بین تعداد بازرسان کار با تعداد کارگاهها و کارخانه ها، و... تناسب وجود داشته باشد. تبلیغات ناخواسته عدم تناسب در محیط کار به صور گوناگون، از جمله به صورت بروز حوادث ناشی از کار، تجلی می نماید.

۳- هماهنگی اجزای تشکیل دهنده نظام

کلیه اجزای تشکیل دهنده نظام باید با هم هماهنگ باشند به نحوی که بردارهای نیرو در واحد کاری هم جهت عمل کنند و به این ترتیب امکان بهره گیری از ویژگی هم افزائی در نظام فراهم آید. برای نمونه، کارفرما از سرمایه گذاری در امور ایمنی دریغ نرزد، کارگر به بهانه های غیرموجه از قبیل کاهش سرعت فعالیت و کار بر اثر به کارگیری وسایل ایمنی (عینک و سمک، محافظ، کلاه، کفش، لباس، ماسک، دستگاه ارت و ...) طفره نرود، آموزشهای لازم به نیروی کار

ارائه شود و از فناوری خاصی که ملاحظات ایمنی در ساختار اصلی آن رعایت شده است استفاده شود.

۴- مشارکت فعالانه همگانی

هریک از کارکنان باید در ایمن سازی محیط کار مشارکت فعال و مؤثر داشته باشد. فرد فرد کارکنان (اعم از کارکنان دائم، یا پیمانکاری یا خدماتی) لازم است که با مقررات ایمنی و حفاظت آشنا باشند و با کسب آگاهی در این زمینه، حق خویش را در مورد ایمن سازی محیط کار، از مسئول مربوطه طلب نمایند و در صورت بی توجهی مسئولین به ایمنی، تذکرات ضروری را ارائه دهند و چنانچه با عدم همکاری مواجه شدند، اعتراضات خود را به مقامات مسئول بالاتر منعکس نمایند. در مقابل، مسئولین نیز استفاده از وسایل حفاظت انفرادی و ایمنی را اجباری کنند و با متخلفان برخورد جدی نمایند.

۵- رعایت استانداردها

دستگاهها و تجهیزات و خودروهای کهنه و فرسوده و ابزار کار مستهلک شده از رده خارج شوند و از دستگاهها و تجهیزات موجود در حد ظرفیتهای تعیین شده استفاده شود و بار اضافی بر آنها تحمیل نگردد. به علاوه در مورد ساخت، تولید، ورود و عرضه وسایل حفاظت و ایمنی استانداردهای ملی و بین المللی مقررات به گونه ای جدی رعایت شود.

۶- تقویت کمیته های حفاظت فنی کل

کمیته های حفاظت و ایمنی در شرکتهای تقویت و بر برنامه ریز، کنترل و اجرای اصول حفاظت و بهداشت کار و سالم سازی محیط کار تأکید جدی نمایند و به جای برخورد منفعلانه، بر کلیه فرآیندهای کار، به طور فعالانه و سازنده، نظارت داشته باشند و نسبت به رعایت اصول ایمنی در کلیه نوبتهای کاری (مخصوصاً نوبت شب) و در هنگام تحویل هر نوبت بعدی اصرار ورزند.

۷- بهره گیری از روشهای نوین مدیریتی

در روشها و شوه های کاری بازننگری شود و از الگوهای نوین مدیریتی به خصوص مدیریت کیفیت فراگیر استفاده شود که به بهبود مستمر داده، فرآیند، ستاد، و بهره وری بهینه تأکید دارد.

یکی از تمهیدات مناسب، اعطای جایزه کیفیت در مورد رعایت اصول حفاظت و ایمنی به شرکتهایی است که به این امر مهم توجه ویژه دارند و به کارگرانی که در عین فعال و کارا بودن (بدون اینکه از وظایف محوله طفره روند) دچار حادثه نشده اند. این جایزه را می توان به طور انفرادی (به فرد کارگر) یا گروهی (به واحدی که حادثه نیافریده است) اعطاء کرد. در این مورد، ایجاد انگیزه های مشترک در گروههای کاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تمهید دیگر به کارگیری روشهای تشویقی و مثبت در مورد افرادی است که برای بالابردن ضریب ایمنی محیط کار تلاش می کنند و پیشنهادهای سازنده ارائه می دهند.

۸- استفاده از فناوریهای نوین ارتباطی برای

افزایش ایمنی

امروزه به کمک اینترنت فناوریهای پیشرفته ارتباطی و کنترل از راه دور سطح ایمنی را در شرکتهای افزایش می دهند. یکی از مواردی که درصد حادثه در آن بالاست، معادن است که به کمک استفاده از فناوریهای نوین، سطح ایمنی در معادن را افزایش می دهند. دانشمندان توانسته اند با استفاده از زبانهای مدل سازی مجازی، مدل سه بعدی معدن مجازی را تهیه کنند. این مدل که در کشور استرالیا به کار گرفته شده است، تمام اطلاعات مربوط به سابقه معدن، عملیات جاری آن و روندها و برنامه های آینده آن را منعکس می سازد. به کمک این مدل دانشمندان توانسته اند انبوهی از اطلاعات پراکنده را که در دوره عمر معدن جمع آوری شده ترکیب کنند و آن را در نقشه سه بعدی معدن

نشان دهند. در آینده نزدیک، ابعاد دیگری از واقعیت مانند وضعیت هوا و اوضاع و احوال محیطی نیز در این مدل وارد خواهد شد. به قول دکتر کلیف مالت، یکی از صاحب نظران استرالیایی، "تصویری از رویدادهایی که عملاً رخ می دهند (روش سه بعدی) خیلی بهتر از صفحه ای مملو از اعداد و ارقام (روش دو بعدی) وضعیت واقعی را منعکس می کند. در یک حادثه، با استفاده از تصاویر سه بعدی معدن خیلی بهتر می توان کادر امداد رسانی را از وضعیت آگاه کرد و در نتیجه آنها با سرعت بیشتری می توانند اوضاع را شناسایی کنند و راه نجات را بیابند." علاوه بر بهبود ایمنی معادن، تشخیص زود هنگام خطر و آگاهی از ماهیت و قلمرو آن باعث می شود که بهره وری معادن افزایش یابد. به کمک این سیستم کم هزینه کامپیوتری، امکان ترکیب داده های جغرافیایی، فیزیکی و فنی در تصاویر سه بعدی فراهم می شود. مثلاً با مشخص شدن وضع نامساعد زمین که ممکن است سبب ریزش دیواره های معدن در زیر زمین شود، می توان سریعاً اقدام کرد و اولاً از صدمات، جراحات و مرگ و میر کارکنان معدن پیشگیری کرد و ثانیاً از توقف بی رویه در فرآیند تولید و از تأخیرهای جدی در روند کار جلوگیری نمود. به کمک مدل معدن مجازی می توان اطلاعات را بین متخصصان مختلف در صنعت معدن (مانند زمین شناسان، مهندسان، متخصصان امور مالی و غیره) قرارداد و در فاصله چند دقیقه تصمیم درست و همه جانبه ای را با توجه به ابعاد مختلف مسئله اتخاذ کرد. در روش اطلاعات دوبعدی که در حال حاضر مرسوم است اولاً تصویر ناقصی از واقعیت ارائه می شود و ثانیاً توافق بر اطلاعات کسب شده ممکن است ماهها طول بکشد (البته اگر اصولاً توافقی بشود و تصمیمی گرفته شود). روش آموزش مدل معدن مجازی سه

بعدی بسیار آسان است و به قول متخصصان در کمتر از یک ساعت امکان پذیر خواهد بود.

نمونه دیگر در کشور چین یک شرکت زغال سنگ چینی است که در ایالت شانگدونگ قرار دارد. این شرکت از سیستمی استفاده می کند که کنترل و ایمنی معدن را به صورت یکپارچه در آورده است. سیستم کنترل توزیعی سیستمی است که وظائف و فعالیت‌های مختلف را در یک سیستم ادغام کرده است و شامل سیستم ایمنی، ساخت و کنترل می شود. در این سیستم از فناوری پیشرفته و تجهیزات نوین برای گردآوری داده های زمان واقعی، انتقال و تحلیل استفاده می شود به علاوه از این سیستم برای نشان دادن فرایند اصلی تولید، وضعیت تجهیزات و پارامترهای کل معدن هم استفاده می شود.

باتوجه به دو نمونه فوق ملاحظه می شود که از طریق استفاده از فناوریهای جدید ارتباطی می توان انقلابی را در عرصه ایمنی به وجود آورد. از طریق برقراری ارتباط با اینترنت، کاربران می توانند با نقاط مختلف مبادله اطلاعاتی کنند و از فناوری روز بهره مند شوند و سطح ایمنی معادن را افزایش دهند.

۹- برنامه ریزی آموزشی جامع

آموزش در تغییر نگرشها، رفتارها و عملکرد تأثیر می گذارد. از این رو برای تغییر در نگرشهای آحاد جامعه نسبت به ایمنی و اصلاح رفتار آنان و بهبود عملکردهای نیروی کار در واحدهای کاری می توان از این حربه مؤثر بهره گرفت. انجام دادن این امر مهم عزم ملی می طلبد. از یک سوء ضرورت دارد که دولت در برنامه ریزیهای آموزشی جامع و فراگیر، برای رفع کمبودهای دانشی و مهارتی کلیه افراد جامعه، چاره اندیشی کند. آموزشهای ایمنی را از دوران کودکی آغاز کند و تا دانشگاه و در محیطهای کاری ادامه دهد. در کلیه رشته های دانشگاهی، چند واحد درسی

اجباری حاوی مطالبی در زمینه ایمنی گنجانده شود. رشته خاصی با عنوان ایمنی در سطوح و مقاطع مختلف از کاردانی تا دکترا ایجاد شود و طی آنها نسبت به تعلیم و پرورش متخصصان ایمنی اقدام گردد. به این ترتیب، تحول مهمی در زمینه گسترش فرهنگ ایمنی از بعد علمی به وجود خواهد آمد و این تحول زمینه لازم را برای اعمال آموخته ها در محیطهای کار فراهم می آورد. از سوی دیگر رسانه های همگانی بخصوص صداوسیما باید به این مهم بپردازد و با تکرار و پررنگ کردن مفاهیم مرتبط با ایمنی در قالبهای داستانی، نمایشی، گزارش و غیره، نسبت به بسط و گسترش فرهنگ ایمنی در سطح جامعه اقدام کنند. خود مردم نیز باید به اهمیت ایمنی واقف شوند و طالب آن باشند.

۱۰- تلاش فرهنگ فراگیر

ما در عصر تنوعها و تعددها زندگی می کنیم. به موازات افزایش تنوع در کارها و حرف که خود نتیجه پیشرفت فناوری و صنعت است، عوامل تهدید کننده و مخاطره آفرین نیز گوناگونی و تنوع می یابند. با افزایش مخاطرات حرفه ای نیاز به مدیریت ایمنی صد چندان می شود. کلیه طرفهای ذی نفع در محیطهای کاری و تمام بازیگران در نظام اعم از کارگران، کارمندان، کارفرمایان رده های سرپرستی و مدیریت سازمانهای کارگری و کارفرمایی مسئولان دولتی و کارشناسان و متخصصان باید به ضرورت ایمن سازی محیطهای کاری اعتقاد پیدا کنند. برای تعمیق این باور تعمیم آن در سطح جامعه نیاز به کار فرهنگی زیر بنایی است. ایمنی را صرفاً با قانون و مقررات نمی توان ایجاد کرد. باید آن را در وجدان جمعی مردم کشور جا انداخت تا به عنوان بخشی از میراث جمعی ما به نسلهای آینده نیز منتقل شود. این مهم تلاش می خواهد تلاشی فراگیر و مستمر و از جانب کلیه فعالان و بازیگران در نظامهای کاری در کل کشور. برای تحقق این امر

ضرورت دارد که به ایمنی از دیدگاه نظام مند نگاه شود و این موضوع مهم هم از دید کلان و هم از دید خرد بررسی و تحلیل شود. در دید کلان نیاز به یک برنامه ریزی راهبردی در سطح مملکت عمیقاً احساس می شود و در چارچوب این راهبرد است که باید برنامه های میان مدت و کوتاه مدت به صورت تاکتیکی عملیاتی تنظیم گردد.

۱۱- توقف فعالیتهای موازی

از جمله مشکلاتی که در امر حفاظت ایمنی و بهداشت کار در حال حاضر در مملکت وجود دراد حرکتیهای موازی و متداخل سازمانهای مختلف در این موارد است از آنجا که مسائل ایمنی و حفاظتی و بهداشتی کار و صاحبان حرف و صنایع گوناگون، امور حفاظت و بهداشت کار که هم اکنون از یک سو، تحت نظارت وزارت کار و امور اجتماعی است و این وزارت مسئولیت صدور مجوز تأسیس کارگاه و حفاظت فنی آن را بر عهده دارد از سویی از نظر بهداشتی و سلامت محیط کار با وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مربوط می شود و از جهتی دیگر نیز از نظر ارائه خدمات به آسیب دیدگاه ناشی از کار و پرداخت خسارات و غرامات به آنان با سازمان تأمین اجتماعی ارتباط پیدا می کند تحت نظارت سازمان واحد و مستقلی قرار گیرد و به این ترتیب هم از تکرار و تداخل مسئولیتهای ممانعت به عمل آید و هم از ابزارهای متفاوت و گاه متناقض و متعارض از جانب چند سازمان جداگانه جلوگیری شود.

۱۲- تقویت نقش بازرسی کار

باید نقش بازرسی کار در محیطهای کاری تقویت شود، به نحوی که مدیران و کارفرمایان طرز تلقی منفی خود را نسبت به بازرسی کار تغییر دهند و با بازرسان کار همکاری نمایند و بپذیرند که هدف از بازرسی کار ایجاد بهبود در شرایط کار و پیشگیری از حوادث ناشی از

کار است. بازرسان کار نیز در فواصل نزدیک و منظم از مؤسسات بازدید کنند و بکوشند تا حد امکان این فاصله ها کوتاهتر و غیر منتظره تر باشد. البته تحقق این امر چندان هم کار آسانی نیست زیرا تعداد بازرسان کار با تعداد کارگاههای موجود در سطح کشور متناسب نیست. بنابر اطلاعات موجود (مربوط به سال ۱۳۸۱) متجاوز از ۶ میلیون کارگر بیمه شده در سراسر کشور وجود دارند و حدود هشتصد هزار کارگاه تحت پوشش بیمه اند و تعداد بازرسان کار در کل کشور حدود سیصد نفر است. در این شرایط بازرسی که باید حداقل سالی یک بار از یک واحد صنعتی بازدید کند ناچار است هر هفت یا هشت سال یکبار این بازدید را به عمل آورد. بنابراین بازرسان باتوجه به کثرت کارشان قادر نیستند وظیفه خود را انجام دهند. از این رو امکان بازرسی منظم و کم فاصله وجود ندارد. در این مورد لازم است برای رفع کمبود نیروی متخصص و ذی صلاح و واجد شرایط از ابعاد نظری و عملی اقدامات لازم معمول گردد. شاید بتوان از نیروی عظیم دانشجویان در بازرسیهای میان دوره ای و در جمع آوری اطلاعات روزآمد و به هنگام از واحدهای کاری استفاده نمود البته بدیهی است که دانشجویان را نمی توان جانشین بازرسان و کارشناسان متخصص و مجرب کرد ولی از آنان می توان همچون نیروی کمکی در این زمینه ها بهره گرفت. علاوه بر این برای جبران کمبود تعداد بازرسان کار پیشنهاد می شود از افراد متخصص که دارای تحصیلات و تجارب مرتبط با ایمنی اند (از میان استادان دانشگاهها، بازنشستگان مجرب دولت، یا از بخش خصوصی) پس از احراز صلاحیتهای علمی و اخلاقی طبق ضوابط مشخصی تعدادی انتخاب شوند و با اعطای کارت ویژه بازرسی به آنان نسبت به رفع نسبی کمبود بازرسان کار اقدام شود. این روش در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی

(مانند انگلستان و ایتالیا) اعمال می شود و نتایج مفیدی نیز داشته است. با اتخاذ چنین تمهیداتی می توان از نیروی افراد میرز و ذی صلاحی که به علت کمبود امکانات دولتی، جذب وزارت کار و امور اجتماعی نمی شوند، برای اجرای مؤثر وظایف بازرسی کار بهره گرفت.

۱۳- ایجاد نظام اطلاع رسانی

ضرورت ایجاد نظام اطلاع رسانی مؤثر و کارا در مورد حوادث ناشی از کار شدیداً احساس می شود. اطلاعات مربوط به هر حادثه را، هر قدر هم که کوچک و کم اهمیت باشد، باید فوراً در فرمهای خاص درج نمود و به مقامات مسئول گزارش داد. این کار اولاً به تهیه آمار دقیق حوادث کمک می کند و ثانیاً امکان شناخت علل بروز حادثه و بررسی تبعات آن را فراهم می آورد. میزان دقت و صحت اطلاعات مربوط به حوادث ناشی از کار، در علت یابی حوادث تأثیر می گذارد. هر چه اطلاعات ما معتبرتر و قابل اتکاتر باشد، شناخت و کشف علتهای آسانتر می شود. با ایجاد بانک اطلاعاتی درباره حوادث زمینه پیشگیری از حوادث آتی فراهم می آید، زیرا پیشگیری زمانی میسر می شود که اطلاعاتی درباره حوادث، زمینه پیشگیری از حوادث آتی فراهم می آید زیرا پیشگیری زمانی میسر می شود که اطلاعات دقیقی در مورد عوامل و علل موجد حوادث در دسترس باشد. نظر به اینکه بخش اعظم صنعت ما وارداتی است بررسی اطلاعات بین المللی در مورد حوادث مرتبط با کار و صنعت نیز کمک شایانی در شناخت و پیشگیری از حوادثی که با صنایع گوناگون ملازمت دارند خواهد بود. با دستیابی به آمار منتشر شده در مورد حوادث در جهان و استفاده مناسب از آنها می توانیم از وقوع حوادث مشابه در کشور و صنعت خویش جلوگیری کنیم.

۱۴- ارتباطات ایمنی

ارتباطات می تواند در برقراری ایمنی نقش بسیار مهمی را ایفا کند. وجود یک نظام مؤثر ارتباطی در مورد ایمنی در پیشگیری از وقوع حوادث کار تأثیر بسیار مثبتی دارد. خبر وقوع حوادث را باید اعلام نمود و در مورد وقوع مجدد آن به عموم هشدار داد. متأسفانه کشور ما اخبار مربوط به حوادث به درستی انعکاس نمی یابد. برخی به غلط چنین می پندارند که پخش خبر حادثه و بررسی آن منجر به یافتن مقصر می شود و از این بابت نگران می شوند در حالی که آنچه برای صنعت مهم است شناخت علل وقوع حادثه از نظر ایمنی است به گونه ای که به پیشگیری از وقوع دوباره حوادث منتهی شود. البته تشخیص مجرم و مقصر از اهمیت خاص خود برخوردار است لیکن در قلمرو کار قضایی قرار دارد و از دامنه این بحث خارج است.

۱۵- عبرت گیری از حوادث

بزرگترین مشکلی که از نظر وقوع حوادث کار در کشور ما وجود دارد تکرار حوادث مشابه است و این می رساند که ما از اشتباهات خود درس نمی گیریم. حوادث کشور ما تکراری است ما به طور معمول کار جدیدی نداریم که حوادث جدید داشته باشیم. اکثریت قریب به اتفاق حوادث تکراری است. تکرار اشتباهات پیشین به هیچ وجه قابل بخشش نیست. تکرار حادثه مشابه یعنی عدم توجه به گزارشهای حوادث مشابهی که قبلاً به وقوع پیوسته اند، غفلت از علل بروز آنها، بی توجهی به تبعات حوادث و از همه مهمتر عبرت نگرفتن از حادثه ای که روی داده و خسارات مادی و معنوی که به دنبال آورده است.

۱۶- ارتباط بین علم و عمل

بین دانشگاهها و مراکز آموزش عالی با صنعت و سایر زمینه های کاری، ارتباط متقابل و مؤثر برقرار شود به نحوی که از نیازها و مشکلات یکدیگر آگاهی یابند و با امکاناتی که در دسترس آنان قرار دارد برای

پاسخگویی به نیازها و رفع مشکلات و معضلات طرف مقابل تلاش نمایند. اختلاط علم و عمل بهره های فراوانی نصیب هر دو طرف می سازد. بر علم بی عمل فایده ای مترتب نیست و عملی که مبنای علمی نداشته باشد عقلایی و منطقی نخواهد بود. برای ایجاد این ارتباط راههای فراوانی وجود دارد. رابطه را باید قانونمند و ضابطه مدار کرد. به عنوان نمونه می توان از استادان دانشگاهها خواست که پژوهشهای خویش را به سوی مشکلاتی که گریبانگیر صنعت است سوق دهند، از دانشجویان برای سنجش میزان رعایت استانداردهای ایمنی در کارخانه ها و کارگاهها استفاده کرد و از مدیران و کارفرمایان خواست که با کمک مسئولان دانشگاهها، برنامه های مناسبی را برای دوره های کارورزی دانشجویی در محیطهای کاری تنظیم کنند. محتوای دروس دبیرستانی و دانشگاهی را می توان با مسائل مبتلا به ایمنی و حفاظت عجین کرد و خلاصه ، رابطه ای سازمانی و فردی را بین دانشگاهها و مراکز کار و حرفه برقرار نمود. مؤسسات بیمه نیز می توانند دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهها را جذب و به مجموعه های صنعتی ، تولیدی و خدماتی اعزام نمایند. این افراد واحدهای تحت بررسی را از لحاظ رعایت استانداردهای ایمنی بررسی و گزارشهای مبتنی بر واقعیت را برای مؤسسات بیمه ارسال می نمایند و مشخص می سازند چه میزان از استانداردهای موضوعه رعایت شده است. بیمه نیز به ازای درصد رعایت موارد ایمنی، نرخهای متفاوتی را اعمال کند و تخفیفاتی خاصی را برای کسانی که به رعایت ضوابط ایمنی و حفاظت پایبندند قائل شود.

۱۷- الگوسازی برای مطالعات تطبیقی

دولت جمهوری اسلامی ایران با سازمان بین المللی کار تماس حاصل کند و پیشنهاد ساختن الگویی مناسب را برای اجرای مطالعات تطبیقی به سازمان مزبور ارائه

دهد تا از این طریق زمینه لازم برای مطالعه ای فراگیر و همه جانبه در مورد کلیه کشورهای جهان فراهم آید. چنانچه این مقدمات تدارک دیده شود می توان از مطالعات تطبیقی اطلاعات مفیدی به دست آورد. در سالنامه های آماری فعلی سازمان بین المللی کار اولاً برای واژه های مطرح شده تعاریف مشخص و همانندی که در کلیه کشورها مفهوم مشابهی داشته باشند وجود ندارد و ثانیاً به دلیل فقر اطلاعاتی و آماری در میان کشورهای عضو به اطلاعات ارائه شده اتکاری چندانی نمی توان کرد.

۱۸- برگزاری سمینارها و کنفرانسهای زنجیره ای

کلیه آحاد جامعه مستقیم و غیرمستقیم تحت پوشش سیاستهای ایمنی قرار دارند. دامنه برد ایمنی از کارکنان یک واحد یا یک صنعت و حتی یک کشور بسی فراتر می رود از این رو اقتضا می کند که این موضوع به طور مستمر مورد توجه و امعان نظر قرار گیرد. بنابراین پیشنهاد می شود در سمینارها و کنفرانسهای زنجیره ای مسائل ایمنی و حوادث شاخص ناشی از کار به طور مرتب به بحث گذارده شود و یافته های سمینارها برای واحدهای کاری ارسال شود و خلاصه توجه کلیه بازیگران و فعالان درگیر در نظامهای کاری و همچنین سیاستگذاران و واضعان خطوط مشی و مردم به این مسئله حیاتی جلب گردد.

۱۹- اجرای پژوهشهای بیشتر با نگرش سیستمی

اطلاعات آماری حوادث ناشی از کار دقت و صحت کافی ندارد. در آمارسازمان تأمین اجتماعی حوادثی گزارش می شود که از سه روز بیشتر معالجه و مداوا بطلبند. در همین جا تعداد زیادی از حوادث از رده خارج می شوند. زیرا در کمتر از سه روز رخ داده و مداوا شده اند به علاوه معلوم نیست کلیه حوادثی را که مداوایی بیش از سه روز را اقتضا می کنند نیز به

سازمان تأمین اجتماعی گزارش کرده باشند. آمارهای بازرسی کار بسیار محدودتر از آمارهای سازمان تأمین اجتماعی است زیرا در دومی انگیزه دریافت خسارات و غرامات به نحو قویتری وجود دارد. در یک پژوهش که اطلاعات آماری آن از هر دو منبع استخراج شده مشخص گردیده است که در آمارهای سازمان تأمین اجتماعی مربوط به سال ۱۳۷۶ جمع کل حوادث ۱۳۰۳۴ فقره ذکر شده و طبق اطلاعاتی که از پرونده های بازرسی کار به دست آمده است جمع حوادث کشور به رقم ۴۱۸۶ رسیده است. با مقایسه این دو رقم مشخص می گردد که آمار حوادثی که به بازرسی کار گزارش می شوند رقمی کمتر از ۳۰ درصد آمارهای سازمان تأمین اجتماعی را تشکیل می دهند که این آمار نیز تنها بخشی از واقعیت موجود را در زمینه حوادث ناشی از کار منعکس می سازد نه همه واقعیت را (به قول یکی از کارشناسان سازمان جهانی بهداشت، هر کشوری ضریب آماری خاصی دارد. وی ایران را در زمره کشورهایی با ضریب آماری ده برابر می دانست و منظورش این بود که هر جا بالا بودن آمار نشانه ای از درجه توسعه یافتگی کشور باشد باید ارقام ارائه شده را بر عدد ده تقسیم کرد و هرگاه پایین بودن آمار نشانه از از پیشرفت و توسعه باشد باید ارقام رسمی را در عدد ده ضرب نمود. اگر چه این میان افراطی تا حدودی جنبه مزاج دارد نشانه هایی از واقعیت در آن دیده می شود). البته از این مطلب نباید چنین استنباط شود که چنین استنباط شود که چون آمارهای موجود ناقص اند پس فایده ای بر آنها مترتب نیست برعکس این آمارها تصویری از واقعتهای دنیای کار را هر چند محدود و ناکامل ارائه می دهند که می تواند زمینه نسبتاً مناسبی برای سیاستگذاران و واضعان خطوط مشی جهت اتخاذ تصمیمهای راهبردی و عملیاتی در سطوح کلان و خرد باشد. البته ضرورت بازننگری در

روشهای آماری، فرمهای موجود و فرآیند اطلاع رسانی در مورد حوادث ناشی از کار شدیداً احساس می شود که توجه خاص مسئولان و دست اندرکاران را در این زمینه می طلبد. بنابراین، در این زمینه پیشنهاد می شود که پژوهش مستقلی که کانون توجه آن شناخت مشکلات و نارساییهای روشهای اطلاع رسانی و شیوه های ثبت و ضبط طبقه بندی و تحلیل اطلاعات مربوط به حوادث ناشی از کار باشد صورت گیرد و با استفاده از یافته های این پژوهش و به کارگیری نگرش نظام مند در کل اجزای این نظام (اعم از درون داد، فرایند و ستاده) بازننگری کرد و نظام مناسبی را در این زمینه تنظیم و ارائه نمود.

نتیجه گیری :

خلاصه اینک با ارزشگذاری به جان انسانها، رعایت اصل تناسب و اصل هماهنگی ، مشارکت کارکنان در ایمنی ، استفاده از فناوریهای نوین ، بکارگیری آموزشهای جامع ، فرهنگ ایمنی فراگیر، تقویت بازرسی کار، عبرت گیری از حوادث ، اطلاع رسانی به موقع حوادث ، ارتباط علم و عمل ، ارتباطات ایمنی ، سمینارهای زنجیره ای ، مطالعات تطبیقی و پژوهشهای سیستمی می توان به تحولات چشمگیر و قابل ملاحظه ای نائل گردید.

منابع :

- ۱- مدیریت منابع انسانی و روابط کار (نگرش سیستمی، اقتضائی) دکتر ناصر میرسپاسی
- ۲- روابط صنعتی (نظام روابط کار) با تأکید بر حوادث ناشی از کار دکتر شمس السادات زاهدی
- ۳- حفاظت صنعتی : بابک کاظمی